

**ICJ's Approach to the Objection of the United States
Regarding Compliance with the Exhaustion of Local
Remedy Rule: A Focus on the *Certain Iranian Assets* Case
(Original Research)**

Ahmadreza Tohidi *
Fateme Mirakhorli **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2023437.2516

Date Received: 20 Feb.2024

Date Accepted: 13 Apr.2024

Abstract

The protection of nationals is a significant issue in international law, albeit not contemporary. However, such protection is recognized by the respective State only if the injured individual has exhausted all available legal avenues for remedies (both administrative and judicial) within the domestic authorities of the defendant State. This requirement, serving as a precondition for initiating a lawsuit before international courts or tribunals, affords the host State the opportunity to investigate the alleged violation and provide redress. This article examines how the International Court of Justice (ICJ/ the Court) addresses preliminary objections and claims of non-compliance with the exhaustion of local remedy rule in cases brought before the Court. Employing a descriptive-analytical method and relying on library sources, the article explores the concept of access to justice and the exhaustion of local remedy rule in international disputes, with a particular focus on the ICJ's judgment of March 30, 2023, regarding the case of *Certain Iranian Assets*. The primary finding of this study is that the Court, departing from its previous approach and emphasizing the efficacy of remedies, dismissed the United States' objection that Iran failed to comply with the rule. The Court emphasized that the exhaustion of local remedy rule should be assessed on a case-by-case basis, taking into account the prevailing circumstances.

Keywords

Exhaustion of Local Remedy Rule, Settlement of International Disputes, International Court of Justice, Diplomatic Protection.

* Associate Professor, International Law Department, University of Qom, Qom, Iran; ar.tohidi@qom.ac.ir

** PhD. Student of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran; f.mirakhorli@stu.qom.ac.ir



رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به ایراد رعایت قاعده طی مراجع داخلی با تأکید بر قضیه برخی اموال ایران (پژوهشی)

احمد رضا توحیدی *

فاطمه میرآخوری **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2023437.2516

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

چکیده

یکی از موضوعات نه چندان جدید اما بسیار حائز اهمیت در حقوق بین‌الملل، حمایت از اتباع است. این نوع حمایت توسط دولت متبوع، تنها هنگامی پذیرفته می‌شود که شخص زیان دیده قبلاً کلیه روش‌های حقوقی جبران خسارت (اداری و قضایی) را در مراجع داخلی دولت مدعی علیه پیگیری کرده باشد. این قاعده به‌عنوان پیش‌نیاز طرح دعوا در مراجع بین‌المللی، به دولت میزبان فرصت می‌دهد تا قبل از طرح دعوا، نقض ادعایی را بررسی و حسب مورد جبران کند. سؤال اصلی این است که نحوه مواجهه دیوان بین‌المللی دادگستری با ایرادات مقدماتی و ادعای عدم تحقق قاعده طی مراجع داخلی در پرونده‌های مطروحه در دیوان چگونه است؟ بر این اساس، مقاله در مقام تبیین و اجرای اصل آزادی دسترسی به دادگاه‌ها و رعایت قاعده طی مراجع داخلی در دعوی بین‌الدولی، رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ را در مورد قضیه برخی اموال ایران بررسی می‌کند. یافته اصلی مقاله این است که دیوان در این رأی با گذر از معیارهای پیشین خود و با اتکا به معیار مؤثر بودن جبران خسارت، ایراد و ادعای ایالات متحده را مبنی بر عدم رعایت قاعده توسط ایران رد نموده و بر این موضع تأکید می‌نماید که استناد به قاعده طی مراجع داخلی، با توجه به اوضاع و احوال موجود هر قضیه بررسی شود.

واژگان کلیدی

قاعده طی مراجع داخلی، حل و فصل اختلافات، دیوان بین‌المللی دادگستری، حمایت دیپلماتیک

ar.tohidi@qom.ac.ir

* نویسنده مسئول، دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

f.mirakhorli@stu.qom.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه قم، قم، ایران

مقدمه

مسئله حمایت دیپلماتیک به‌عنوان یک تأسیس حقوق بین‌الملل از دیرباز مورد توجه اندیشه‌ورزان و صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل بوده است. حمایت دیپلماتیک در آموزه سنتی حقوق بین‌الملل به‌عنوان نهادی مطرح بوده که در چارچوب آن، هنگام ورود خسارت به اتباع یک دولت در قلمرو سرزمینی دولت دیگر، در صورت عدم جبران خسارت وارده از سوی دولت خاطی، دولت متبوع را بر آن می‌داشت که از اتباع خویش حمایت کند. به منظور حمایت دیپلماتیک دولت از اتباع خود، باید شروط مشخصی از جمله رابطه تابعیت، طی مراجع داخلی و پاکدستی مدعی احراز شوند. یکی از شروط چالش‌برانگیز اعمال حمایت دیپلماتیک در حقوق بین‌الملل، رعایت شرط «توسل مقدماتی به محاکم داخلی»^۱ است. نوشتار حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در مواجهه با ایراد مقدماتی ایالات متحده در خصوص رعایت قاعده طی مراجع داخلی چیست؟ در نگاه اولیه به نظر می‌رسد دیوان با در نظر گرفتن معیار مؤثر بودن جبران خسارت، مراحل را که ایران به منظور جبران خسارت در مراجع داخلی ایالات متحده طی نمود، برای تحقق قاعده کافی دانسته است.

در بخش اول نوشتار پیش رو به تبیین مفهوم، شرایط و حیطه اعمال قاعده و در بخش دوم به بررسی رویه قضایی بین‌المللی در دو پرونده اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری یعنی پرونده/حمله سادیو دیالو و پرونده برخی اموال/ایران در خصوص رعایت قاعده طی مراجع داخلی پرداخته خواهد شد.

۱. مفهوم قاعده طی مراجع داخلی در اسناد بین‌المللی

برای بررسی بهتر رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به قاعده طی مراجع داخلی، نخست باید مفهوم این قاعده حقوق بین‌الملل تبیین، و سپس نحوه مواجهه دیوان بین‌المللی دادگستری در این رابطه بررسی شود.

۱-۱. تبیین مفهوم قاعده طی مراجع داخلی

معنای لغوی طی مراجع داخلی عبارت است از الزام به توسل به همه مراحل رسیدگی موجود و مؤثری که در نظام حقوقی داخلی وجود دارد. قاعده توسل مقدماتی به محاکم داخلی یا طی مراجع داخلی، یکی از اصول پذیرفته‌شده و متداول حقوق بین‌الملل عرفی فرض شده است و امروزه در اعتبار آن شکی نیست.^۲

1. Exhaustion of the local remedies

2. Amerasinghe Chittharanjan Felix. *Exhaustion of Local Remedies in International Law*, 2nd ed. (London: Cambridge University Press, 2001) 3.

در تبیین قاعده لزوم توسل مقدماتی به مراجع داخلی می‌توان گفت که طبق این قاعده، دولت‌ها قادر به دفاع از اتباع خود در سطح بین‌المللی نیستند مگر آنکه آن تبعه زیان دیده، در ابتدای امر به مراجع رسیدگی‌کننده دولت خواننده مراجعه و دادخواهی کرده باشد.^۳ کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس مواد مربوط به حمایت دیپلماتیک مصوب ۲۰۰۶ و شرح آن اذعان داشت: «رجوع به محاکم داخلی و طی مراجع داخلی، قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل عرفی است که پیش‌شرط اعمال حمایت دیپلماتیک است».^۴ طبق این تعریف، زمانی یک دولت می‌تواند حمایت دیپلماتیک خود را اعمال یا دعوای بین‌المللی را مطرح کند که شخص زیان دیده، تمام مراجع قابل دسترس داخلی دولت آسیب‌زننده، اعم از دادگاه‌های حقوقی یا اداری را در جهت جبران خسارت طی کرده باشد. از آنجا که راه‌های جبران خسارت بین دولت‌ها متفاوت است، شخص آسیب‌دیده باید تا جایی که قانون داخلی اجازه می‌دهد، به عالی‌ترین دادگاه کشور آسیب‌زننده مراجعه کند. جهت تحقق این قاعده، ادعاهای مطروحه در دعوای داخلی باید همان‌هایی باشند که در دعوای بین‌المللی مطرح می‌شوند.^۵ طبق پیش‌نویس مواد مذکور فقط در شرایط استثنایی، طی مراجع داخلی به‌عنوان پیش‌شرط طرح دعوا در محاکم بین‌المللی در نظر گرفته نمی‌شود.^۶

در قضیه *ایتزهنندل*، دیوان بین‌المللی دادگستری قاعده مذکور را قاعده شناخته‌شده حقوق بین‌الملل عرفی دانست. در این قضیه دیوان اعلام کرد قاعده‌ای که بر اساس آن باید سازکار جبران خسارت داخلی، پیش از طرح دعوای در سطح بین‌المللی طی شود، از قواعد شناخته‌شده حقوق بین‌الملل عرفی است و ضروری به نظر می‌رسد که کشور مدعی علیه، فرصتی برای جبران از طریق سازکار داخلی خود داشته باشد.^۷

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، قاعده طی مراجع داخلی ایجاب می‌کند که یک تبعه خارجی که ادعا می‌شود توسط یک دولت آسیب دیده است، قبل از درخواست حمایت دیپلماتیک یا طرح دعوای بین‌المللی مستقیم علیه دولت، تمامی راه‌های جبران خسارت در نظام اداری و قضایی

۳. محمدرضا ضیایی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی* (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶)، ۴۴۴.

۴. Article 14 of the International Law Commission (ILC)'s Articles on Diplomatic Protection.

۵. Draft Articles on Diplomatic Protection (2006), Vol II. Year Book of International Law Commission, 24, U.N. Doc. A/CN.4/SER.A/2006/Add.1, Art. 14 paras.1-2, cmts. 4, 6.

۶. Ibid. Art. 15, paras. a-c.e.

۷. *Interhandel Case, Switzerland v. United States of America*, ICJ report (1959), para. 27.

در این قضیه، اموال یک شرکت سوئیسی به علت روابط ادعایی آن با یک شرکت آلمانی در زمان جنگ جهانی دوم، توسط ایالات متحده آمریکا مصادره شد و به این علت که شرکت *ایتزهنندل* تحت مدیریت اتباع آلمان بود که دولت دشمن تلقی شده بود، شرکت دشمن است. دولت سوئیس در ۱۹۴۸ با اعتراض به دولت ایالات متحده خواستار استرداد اموال شد اما پس از ۹ سال ترافع بیهوده در مراجع ایالات متحده، دولت سوئیس دعوا را در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نمود. به مجرد طرح دعوا، دادگاه عالی ایالات متحده دستور رسیدگی مجدد صادر کرد و به همین علت که هنوز مراحل رسیدگی داخلی طی نشده است، دعوا را رد کرد (در بخش سوم به تفصیل در مورد این پرونده بحث خواهد شد).

تعبیه‌شده در آن دولت را طی نموده باشد. هدف قاعده این است که به کشوری که در آن تخلف رخ نموده است، فرصتی داده شود تا قبل از اینکه مسئولیت بین‌المللی متوجه آن شود، خسارت را با ابزار خود در چارچوب نظام داخلی خود جبران کند.^۸

خاستگاه قاعده طی مراجع داخلی در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی، و به پیروی از این منطق است که قبل از اینکه یک دولت بتواند از حمایت دیپلماتیک خود استفاده کند، تبعه باید در نظام حقوقی داخلی کشور میزبان به دنبال جبران خسارت بوده باشد.^۹

پروفسور روسو در این باره می‌گوید: «... بنابر یک اصل اساسی که بسیاری از حقوق‌دانان آن را تأیید کرده و در آرای بی‌شماری در رویه قضایی ذکر شده است، در عرصه بین‌المللی اگر شخصی مطالبه خسارت نمود، بر اقدام او اثری مترتب نیست، مگر آنکه پیش از آن برای احقاق حقوق خود به مقامات و دادگاه‌های محلی مراجعه کرده باشد. باید این اصل را شرط قبول حمایت دیپلماتیک تلقی کرد...»^{۱۰}

مؤسسه حقوق بین‌الملل نیز با عباراتی مشابه، قاعده طی مراجع داخلی را چنین تعریف می‌کند که زمانی که دولتی مدعی است خسارت‌های مالی یا جانی وارده به یکی از اتباع آن، ناشی از نقض یک قاعده حقوق بین‌الملل بوده است، بر اقدام‌های سیاسی و قضایی آن دولت اثری مترتب نیست، مگر آنکه تبعه زیان‌دیده آن دولت، پیش‌تر برای احقاق حق خود به دادگاه‌های کشوری که مدعی است در آنجا خسارتی دیده مراجعه و مراحل دادرسی را پیموده باشد.^{۱۱}

از دلایل دیگری که می‌توان جهت تبیین فلسفه وجودی این قاعده برشمرد، نشان‌دادن برابری اتباع بیگانه در نظام قضایی هر دولت است؛ به این معنا که بیگانگان هم می‌توانند همانند اتباع هر دولت از امنیت قضایی برخوردار شوند و هر دولتی باید امنیت قضایی را برای بیگانگان فراهم سازد. در نهایت، دلیل اصلی و مبنای مهم قاعده که در مقابل نظم بین‌المللی رخ می‌نمایند، احترام به حاکمیت دولت‌هاست که قسمتی از آن نظام قضایی داخلی هر دولت است.^{۱۲}

بنابر آنچه گفته شد می‌توان دو هدف را برای تبیین فلسفه وجودی قاعده طی مراجع داخلی برشمرد. نخست، مربوط به حق دولت مدعی‌علیه است که پیش از قرارگرفتن در معرض دادرسی بین‌المللی، مجال جبران خسارت آسیبی را که به تبعه دولت دیگر وارد آورده داشته باشد. دوم آنکه

8. Antônio Augusto Cancado Trindade, *The Application of the Rule of Exhaustion of Local Remedies in International Law: Its Rationale in International Protection of Individual Rights*, (Cambridge: Cambridge University Press, 1983) 1.

9. Andrew Paul Newcombe and Lius Paradell "Law and practice of investment treaties: Standards of treatment," *Kluwer Law International*, (2009): 6.

۱۰. رضا فیوضی، *مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع*، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹)، ۳۸۳.

۱۱. همان.

12. Karl Doehring, "Exhaustion of Local Remedies," in Rudolf Bernhardt, ed., *Encyclopedia of Public International Law*, Vol. 3 (Elsevier, 1997) 137.

اتباع بیگانه نیز بتوانند در صورت تعدی به حقوق‌شان، از حق دسترسی به عدالت که یکی از حقوق بشر نیز محسوب می‌شود، برخوردار باشند.

۱-۲. شرایط اعمال قاعده

بی‌تردید، قاعده طی مراجع داخلی برای اعمال باید دارای شرایطی باشد و فقدان این شرایط می‌تواند از موجبات معافیت زیان‌دیده از اجرای قاعده شود.

یکی از اصلی‌ترین شرایط اعمال این قاعده، وجود رسیدگی عادلانه در دستگاه قضایی است. شرایط مربوط به دادرسی عادلانه به تفصیل در مواد گوناگون میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و نیز پروتکل‌های الحاقی آن مشخص شده است.^{۱۳} در این زمینه دولت‌های بسیاری نظریات خود را در کمیته حقوق بشر ارائه نموده و مسائل گوناگون نظام‌های رسیدگی قضایی در این کمیته بررسی شده‌اند. در صورت اثبات فقدان دادرسی عادلانه، تبعه زیان‌دیده، از رعایت قاعده معاف می‌شود.^{۱۴}

ناکارآمدی، از استثنائات عدم رعایت قاعده مراجعه به مراجع داخلی است. از این نظر در زمانی که نظام قضایی یا اداری آشکارا ناکارآمد هستند، چشم‌انداز معقولی جهت حصول نتیجه (جبران خسارت) ارائه نمی‌کنند یا هیچ امکان عقلانی جهت جبران خسارت مؤثر وجود ندارد. شخص آسیب‌دیده موظف است این ناکارآمدی را اثبات کند.^{۱۵}

اطالعه دادرسی یا دادرسی‌های طولانی به‌صورتی که زیان‌دیده را از تعقیب دعوی خویش منصرف کند، عدم رسیدگی دقیق دعاوی، خطاهای بسیار در آرا یا به عبارت صحیح‌تر، آرای مخدوش دادگاه‌ها، امکان اعمال نفوذ و بهره‌برداری‌های سیاسی از رسیدگی‌های قضایی، از جمله مواردی است که وجود آن‌ها، اعمال قاعده را با دشواری روبه‌رو کند. به عبارت دیگر، تأخیر غیرمعقول^{۱۶} در روند رسیدگی، استثنای دیگر اعمال قاعده است. البته نمی‌توان هیچ محدودیت زمانی دقیقی را تعیین کرد چرا که این امر به شرایطی از جمله حجم کار و پرونده‌های در حال رسیدگی زمان مورد نیاز برای بررسی کامل پرونده بستگی دارد.^{۱۷} اگرچه این مورد از موارد ناکارآمدی است، شایسته است به لحاظ اهمیتی که دارد، جداگانه نیز بررسی شود. تأخیر نامتعارف یا غیرمعقول در دادرسی، یکی از جنبه‌های استنکاف از اجرای عدالت در نظر گرفته می‌شود. تأخیر غیرمعقول در دادرسی که جبران خسارت را به‌صورت غیرمؤثر درآورد، در هر مورد متفاوت است و

13. Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights, Art. 2.

14. Rick Dominic McGold, *the Human Rights Committee*, 1st ed. (Oxford: Clarendon press, 1991) 370-378.

15. Supra note 10, Art. 15, paras.1-2, cmts. 2-4.

16. Undue Delay

17. Supra note 10, cmt. 5.

هر مورد دارای اوضاع و احوال و شرایط خاص خود است. برای مثال در قضیه *اینترهندل* با وجود اینکه مدت به نسبت طولانی از اقامه دعوا گذشته بود، دیوان به اینکه تأخیر طولانی دادرسی، جبران خسارت را به صورتی غیر مؤثر در آورده است، نظری نداشت. در این قضیه قاضی *آرموند آگون* در نظر جداگانه خود بر این نکته باورمند بود که این مدت برای اینکه جبران خسارت را غیر مؤثر نماید، به دلیل روند کند رسیدگی، قابل تأمل است. به عنوان معیار کلی می‌توان گفت که مسلماً منظور این نیست که دادگاه روند رسیدگی خویش را با نظر خواهان تنظیم نماید ولی در عین حال، روند رسیدگی نباید آن قدر کند باشد که بر تصمیم نهایی دادگاه در مورد جبران خسارت تأثیر گذارد. در موارد مربوط به حمایت از حقوق بشر، دادرسی طولانی یا تأخیر غیر معقول در روند رسیدگی در دادرسی، یکی از دلایل استنکاف از عدالت یا تضعیف حق دادخواهی در مورد افراد است. در قضیه *ال رومینینگ* و شرکت راه‌آهن گفته شد که تأخیر دادگاه به مدت نه سال کافی است که استنباط شود جبران خسارت مؤثر نخواهد بود.^{۱۸}

در صورت فقدان ارتباط واقعی بین صدمه وارده و دولت مدعی‌علیه، شرط طی مراجع داخلی، غیر منطقی یا غیر منصفانه می‌نماید یا باعث مشقت زیادی می‌شود.^{۱۹}

در مواردی ممکن است ضمن توافقی شرط اعراض از طی مراجع داخلی بین دولت متبوع آسیب‌دیده و دولت آسیب‌زننده وجود داشته باشد. ممکن است این مورد، ضمن توافقی بین دو طرف در معاهده، یا پس از بروز اتفاق در موافقت‌نامه ارجاع به داوری گنجانده شود. بدیهی است در این شرایط، امکان اعمال قاعده به علت تعهد قراردادی میسر نیست.^{۲۰} برای مثال، ایران و ایالات متحده آمریکا در بیانیه الجزایر از الزام به رعایت این قاعده اعراض کردند.

از جمله موارد دیگر، عدم امکان تجدیدنظرخواهی توسط زیان‌دیده است. بی‌شک، زیان‌دیده باید این حق را داشته باشد که در صورت صدور رأی مخدوش و خلاف حق توسط مراجع بدوی، با تجدیدنظرخواهی، محاکم عالی را در جریان قرار داده و در صورت عدم رسیدگی دقیق محاکم بدوی، محاکم عالی این آرا را نقض نموده و رأی مطابق حق را جهت جبران خسارت‌های وارده به زیان‌دیده صادر نمایند. به همین جهت در اعمال قاعده طی مراجع داخلی قید شده است که زیان‌دیده باید تمام مراحل رسیدگی موجود را تا عالی‌ترین مرجع قضایی دولت محل اقامت طی نماید، تا اگر در دادگاه بدوی خدشه‌ای وجود داشته باشد، دادگاه عالی در جهت جبران خسارت، آن را رفع نماید.^{۲۱}

18. Chittaranjan Felix Amerasinghe, *Local Remedies in International Law*, (Cambridge: Grotius Publications Ltd, 1990) 203.

19. *Supra* note 10, cmt. 7.

20. *Supra* note 10, cmts. 12-14.

21. *Supra* note 25, 213.

مورد بعدی، ایراد خسارت مستقیم به کشور مدعی است. بر اساس این استثنا، زمانی که دولتی به لحاظ نقض مستقیم حقوق خود، اقدام به طرح دعوا علیه دولت دیگر می‌کند، قاعده لزوم طی مراجع داخلی اعمال نمی‌شود.^{۲۲} هنگامی که ادعای مختلط مطرح باشد، بدین معنا که این ادعا حاوی خسارت به دولت و خسارت به اتباع دولت باشد، تشخیص اینکه این ادعا مستقیم یا غیرمستقیم است، دشوار است. خسارت مستقیم، آن است که به‌طور مستقیم به دولت خواهان وارد می‌شود، اگرچه به بیگانه یا تبعه وارد شده باشد.

اینجا دو موضوع، قابل توجه است. اول، شرایط واقعی که خسارت مستقیم واجد آن‌هاست و قانوناً در همه آن‌ها قاعده قابل اعمال نیست و مسئله دوم، شناسایی یا تعریف خسارت مستقیم است. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌های متعددی با این موضوع مواجه شده است. برای مثال در پرونده کانال کورفو این استدلال بریتانیا را پذیرفت و بیان داشت در صورتی که خسارت مورد ادعا به اموال دولتی وارد شده باشد، نیازی به طی مراجع داخلی دولت خوانده نیست.^{۲۳} چنین استدلالی در پرونده سانحه هوایی از سوی اسرائیل اعلام شد. در این پرونده، بلغارستان هواپیمای غیرنظامی اسرائیل را در آسمان بلغارستان منهدم کرد. از نظر اسرائیل، انهدام هواپیمایی که تصویر پرچمش بر روی آن بود، نقض آشکار حقوق اسرائیل به شمار می‌رود. بلغارستان اعلام کرد، راه جبران خسارت وارده به اتباع دولت‌ها مشمول قاعده طی مراجع داخلی دولت خوانده است.^{۲۴} در این پرونده، دیوان بین‌المللی دادگستری به دلایل دیگری پرونده را رد کرد.

در پرونده قرار بازداشت کنگو علیه بلژیک نیز دولت بلژیک به استناد عدم رعایت قاعده طی مراجع داخلی توسط کنگو، دعوی مطروحه را غیرقابل استماع می‌دانست. دیوان در این پرونده بیان کرد که اقدام بلژیک، نقض مستقیم حقوق دیپلماتیک جمهوری دموکراتیک کنگو به شمار می‌رود. بنابراین، لزومی به طی مراجع داخلی بلژیک نبود.^{۲۵} دیوان این شیوه استدلال را در قضیه لاگرانژ و اونا نیز اتخاذ کرده بود.

در پرونده کارکنان دیپلماتیک و کنسولی در تهران، نقض مستقیمی از جانب ایران نسبت به تعهدی که در برابر امریکا در جهت حمایت از دیپلمات‌ها و کنسول‌های این کشور بر عهده گرفته بود روی داد اما به اشخاص تبعه که بازداشت شده بودند، خسارتی وارد آمد.^{۲۶}

در قضیه وام‌های نروژ، دیوان مقرر داشت که یکی از دلایل اینکه فرانسه نیاز به طی مراجع داخلی ندارد، این است که دولت نروژ یا قوه مقننه آن با دخالت مستقیم خویش به حقوق صاحبان

22. Ibid.

23. Corfu Channel, United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland. vs. Albania, ICJ rep., 1949, para. 17.

24. The Aerial Incident, Israel vs. Bulgaria, ICJ rep., 1955, para. 530.

25. Arrest Warrant, Democratic Republic of Congo v. Belgium, ICJ rep., 2002, para. 49.

26. Supra note 10, cmt. 14.

اوراق قرضه فرانسوی آسیب رسانده است؛ که در واقع، پذیرش استدلال فرانسه در رابطه با خسارت مستقیم بود.^{۲۸،۲۷}

در کل، بر اساس مفهوم کلاسیک حمایت دیپلماتیک، نقض حقوق اتباع دولت از طریق نقض قواعد حقوق بین‌الملل به منزله نقض حقوق دولت متبوع نیز در نظر گرفته می‌شود.^{۲۹} به‌طور کلی اگر صرفاً بر مبنای پذیرش این تعریف، استثنای نقض مستقیم حقوق دولت به قاعده لزوم طی مراجع داخلی وارد باشد، عملاً این استثنا بر تمامی دعاوی حمایت دیپلماتیک وارد می‌شود و در نتیجه قاعده لزوم طی مراجع داخلی، کارکرد خود را از دست خواهد داد. بنابراین، ضابطه نقض حقوق بین‌الملل نمی‌تواند به‌تنهایی مبنایی برای استثنای استناد شدن نسبت به قاعده لزوم طی مراجع داخلی باشد.

۲. قاعده طی مراجع داخلی در دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری در عمر قریب به ۸۰ ساله خود، بارها در پرونده‌های مطروحه با مسئله رعایت قاعده طی مراجع داخلی مواجه شده است. در ادامه به بررسی رویه دیوان در مواجهه با رعایت قاعده طی مراجع داخلی در پرونده احمدو سادیو دیالو و رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ در پرونده برخی اموال ایران پرداخته خواهد شد.

۲-۱. پرونده احمدو سادیو دیالو^{۳۰}

در قضیه دیالو که منجر به ثبت دادخواستی توسط گینه علیه کنگو در ۱۹۹۸ به دلیل نقض حقوق نامبرده در قلمرو کنگو شده بود، گینه ادعاهایی علیه خواننده دعوا طرح نمود. آقای دیالو حدود ۳۲ سال در کنگو حضور و فعالیت تجاری داشت. او بنا به دلایلی به بیش از ۲ سال حبس محکوم شد. پس از آزادی، وی به دنبال مطالبه خسارات وارده توسط دولت کنگو بود که از کشور اخراج می‌شود.^{۳۱}

دولت گینه ادعا داشت که «اصول رفتار با بیگانگان بر اساس حداقل استانداردهای شهروندی و تعهدات مرتبط با احترام به آزادی و اموال بیگانگان و حق بیگانگان متهم به جرم برای دادرسی عادلانه، توسط دادگاه بی‌طرف نقض شده است».

27. Supra note 25, 108.

28. Interhandel, Switzerland vs. United State, ICJ rep., 1957, p. 39.

29. Braun Tillmann Rudolf, "Globalization-Driven Innovation: The Investor as a Partial Subject in Public International Law-An Inquiry into the Nature and Limits of Investor Rights," Jean Monnet Working Paper, (2013): 30.

30. Ahmadou Sadio Diallo, (Republic of Guinea v. Democratic Republic of the Congo).

31. Ahmadou Sadio Diallo, (Republic of Guinea v. Democratic Republic of the Congo), ICJ Rep., 2012, para. 1.

در مقابل، دولت کنگو با طرح ایرادات مقدماتی نسبت به عدم طی مراحل داخلی توسط دیالو، به قابلیت پذیرش دادخواست گینه ایراد وارد نمود.^{۳۲} دولت گینه در پاسخ عنوان می‌دارد که «هیچ طریق مؤثری به منظور طی مراحل داخلی در زئیر و سپس جمهوری دموکراتیک کنگو برای این اقدام وجود نداشت. گینه یادآوری می‌کند که آقای دیالو بر اساس ماده ۱۳ دستورالعمل ۱۹۸۳ در خصوص کنترل مهاجرین (در زئیر)^{۳۳} از این قلمرو اخراج شده و بدیهی است که با این شرایط، مکلف دانستن آقای دیالو به طی مراحل داخلی، به هیچ وجه منطقی نیست».^{۳۴}

دیوان در نهایت بیان داشت: «در موارد مرتبط به حمایت دیپلماتیک، این شخص متقاضی است که باید اثبات کند که مبادرت به طی مراحل داخلی نموده یا اینکه استثنائاً شرایط به نحوی است که تعهدات مرتبط با آن انجام شده ولی مؤثر نبوده است».^{۳۵} دیوان پس از بررسی دقیق وقایع و دفاعیات کنگو، «ایراد مقدماتی عدم طی مراحل داخلی را به این دلیل که کنگو نتوانسته اثبات نماید که راه‌حل مؤثری در خصوص فردی که از آن کشور اخراج شده وجود دارد و همچنین نتوانسته مؤثر بودن طی مراحل داخلی در خصوص تأمین حقوق مستقیم دیالو به‌عنوان شریک را اثبات نماید، رد کرد و دادخواست را پذیرفت».^{۳۶}

نتیجه اینکه طی مراحل داخلی به‌عنوان اصل به شمار می‌آید ولی مؤثر بودن آن نیز شرط است که این امر باید توسط مدعی عدم طی مراحل داخلی (خواننده) اثبات شود. در حقیقت، قاعده طی مراجع داخلی باید به‌درستی اعمال شود. عدم جبران خسارت به‌طور متناسب و مؤثر به منزله این است که رسیدگی‌های داخلی صورت گرفته و خسارت وارده به زیان دیده جبران نشده است؛ همان‌طور که در قضیه *بارسلونا ترکشن*، دولت اسپانیا در دفاعیات خود بر این نظر بود که قاعده فوق اعمال نشده است زیرا جبران خسارت به گونه‌ای مؤثر انجام نگرفته است. در واقع به اعتقاد این دولت، جبران خسارت در صورتی مؤثر است که موفقیت‌آمیز تلقی شود. اما در مقابل، دولت بلژیک با این استدلال دولت اسپانیا موافق نبود که فقدان سابقه در دادگاه‌ها برای جبران خسارت، به مؤثر نبودن جبران خسارت تعبیر شود. به عبارت دیگر، به نظر دولت بلژیک، این موضوع به تفسیر از قانون داخلی بستگی دارد. در تعارض بین دو دیدگاه، دیدگاه نخست درست‌تر به نظر می‌رسد، چرا که وجود سابقه قضایی برای جبران خسارت، در واقع قرینه‌ای برای خواهان محسوب می‌شود که جبران خسارت را در آن دادگاه‌ها مؤثر بداند یا خیر.

32. Ibid, ICJ Rep., 2007, para. 11, p. 589.

33. Zaire. (نام سابق جمهوری کنگو)

34. Supra note 54, para. 37.

35. Ibid, 44.

36. Ibid, 74.

۲-۲. پرونده برخی اموال ایران^{۳۷}

این پرونده که یکی از پرونده‌های جدید در دیوان بین‌المللی دادگستری است، به دنبال توقیف اموال بانک مرکزی ایران به علت اجرای رأی دادگاه‌های داخلی ایالات متحده آمریکا علیه ایران در قضیه پترسون^{۳۸} ایجاد شد. ایران علی‌رغم سال‌ها پیگیری و اعتراض به فرایند اجرای رأی صادره و طی کلیه مراحل رسیدگی داخلی و رعایت قاعده طی مراجع داخلی در دادگاه‌های آمریکا، نتیجه نگرفت^{۳۹} و به استناد عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی (۱۹۵۵) در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۶ ایران با تقدیم دادخواستی به دبیرخانه دیوان، شکایت خود را علیه ایالات متحده طرح نمود. ایران در دادخواست خود اعلام کرد که ایالات متحده برای سال‌های متمادی ادعا می‌کند ایران کشور حامی تروریسم است و اقدامات متعدد قانونی و اجرایی را علیه آن اتخاذ کرده است. از جمله این اقدامات می‌توان به قراردادن دارایی‌های ایران و نهادهای تابعه آن اعم از دارایی‌های بانک مرکزی ایران، تحت رسیدگی‌های اجرایی در آمریکا اشاره کرد.

ایران در این پرونده مدعی بود که بانک مرکزی به‌عنوان شرکت ایرانی، ذیل عهدنامه مودت است و با مصادره اموال بانک مرکزی توسط ایالات متحده، مواد ۳، ۴ و ۵ عهدنامه توسط این دولت نقض شده است. همچنین ایران استدلال می‌نمود که در نتیجه اقدامات آمریکا، مجموعه‌ای از دعاوی علیه ایران و نهادهای تابعه آن در دادگاه‌های آمریکا در جریان است که دادگاه‌ها مکرراً تلاش‌های بانک مرکزی برای استناد به مصونیت‌ها را رد کرده‌اند.

ایالات متحده در مقابل، به علت اینکه معتقد بود بانک مرکزی ایران، «شرکت» به شمار نمی‌رود، چنین استدلال می‌کرد که اگر این نهادها واقعاً برای اهداف معاهده مودت، به‌عنوان «شرکت» در نظر گرفته شوند، مطابق حقوق بین‌الملل، ایران موظف به رعایت قاعده طی مراجع

37. Certain Iranian Assets, (Islamic Republic of Iran v. United States of America).

۳۸. توضیح پرونده پترسون بدین صورت است که در ۱۹۸۳ یک کامیون حامل حدود ۲۰ تن مواد منفجره با ورود به مقر نظامیان نیروی دریایی آمریکا در لبنان موجب کشته شدن ۲۴۱ تبعه آمریکایی شد. آمریکا با ادعای اینکه راننده این کامیون یک شهروند ایرانی عضو حزب‌الله لبنان بود در صدد انتساب این عمل به ایران برآمد و نام ایران را به‌عنوان دولت حامی تروریسم درج کرد و به این شکل، زمینه طرح دعوا برای بازماندگان قربانیان فراهم آمد تا علیه ایران در دادگاه‌های داخلی آمریکا طرح دعوا کنند. دادگاه آمریکایی که به این پرونده رسیدگی می‌کرد در رأی ۳۰ مه ۲۰۰۳ نتیجه گرفت که ایران به نحو فعالی در این انفجار مشارکت داشت و در نهایت با تصویب قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه در ۲۰۱۲ امکان اجرای این رأی از محل دارایی‌های بانک مرکزی ایران امکان‌پذیر و مبالغی از اوراق بهادار بانک مرکزی در آمریکا توقیف شد. علی‌رغم تلاش‌های بانک مرکزی که تا دیوان عالی آمریکا نیز راه یافت، نتوانست مانع از اجرای رأی شود و متعاقب رأی دیوان عالی در ۲۰۱۶ حدود ۱/۸ میلیارد از دارایی‌های بانک مرکزی که سابقاً توقیف شده بود، مصادره و قرار شد بین خواهان‌های پرونده پترسون تقسیم شود. بعد از این جریان، ایران دادخواست خود را به دیوان بین‌المللی دادگستری تقدیم کرد.

۳۹. محسن محبی و وحید بنار، «رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران»، فصلنامه قضاوت ۹۸ (۱۳۹۸): ۵۴.

داخلی در مراجع رسیدگی داخلی ایالات متحده قبل از طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری است. همچنین از آنجا که خواهان نتوانسته نشان دهد این شرکت تمام مراحل رسیدگی داخلی را در کشور مدعی علیه طی نموده است، این پرونده فاقد شرایط قابلیت استماع در دیوان برای طرح در دیوان است؛ لذا دیوان باید آن را رد نماید.^{۴۰} اگرچه به زعم ایالات متحده، ایران از طرف نهادهای تابعه‌اش طرح دعوا نموده است، طبق حقوق بین‌الملل موظف است نشان دهد که قاعدهٔ توسل مقدماتی به مراجع داخلی را رعایت نموده است.

افزون بر این، طبق اظهارات خوانده، ایران نمی‌تواند ادعا کند به علت وجود استثنائات، قاعدهٔ طی مراجع داخلی طی نشده است، در صورتی که نهاد مربوطه، فرصت موجود برای رجوع به مراجع داخلی را داشته است. به اعتقاد خوانده، قاعدهٔ مزبور تنها در اوضاع و احوالی که محاکم رسیدگی‌کنندهٔ داخلی آشکارا ناکارآمد باشد، موجب معافیت زیان‌دیده از مراجعه به محاکم داخلی می‌شود.^{۴۱} همچنین خوانده اظهار کرد صرف ارائهٔ فهرستی از پرونده‌ها در دادگاه‌های امریکا توسط ایران کافی نیست و بررسی اینکه آیا نهادهای ایرانی قاعدهٔ طی مراحل رسیدگی داخلی را طی نموده و به پایان رسانده‌اند یا خیر به عهدهٔ دیوان است. همچنین ایران نمی‌تواند در مواردی که فرصت طی مراجع داخلی وجود داشته اما نهاد تابعهٔ ایران آن را به‌طور کامل رعایت نکرده ادعا کند که مراحل رسیدگی داخلی طی شده است. خواننده تصریح کرد نظام قضایی ایالات متحده همواره در دسترس ایران و اتباع آن برای پیگیری منافع قانونی خود بوده است. در واقع بسیاری از نهادهای ایرانی مذکور^{۴۲} از نظام قضایی ایالات متحده امریکا استفاده کرده‌اند ولی در تمام موارد، رسیدگی در مراجع داخلی ایالات متحده را به‌طور کامل تمام نکرده‌اند.^{۴۳} در نهایت، فقط آن دسته از ادعاها قابل پذیرش در دیوان است که به‌طور کامل مراحل رسیدگی داخلی آن‌ها طی شده باشد.

در پاسخ به اظهارات خوانده، ایران استدلال‌های ایالات متحده مبنی بر عدم رعایت قاعدهٔ طی مراجع داخلی را مبتنی بر توصیف نادرست حقایق و حقوق حمایت دیپلماتیک می‌داند. ایران مدعی است نقض تعهدات ایالات متحده به موجب معاهدهٔ مودت به‌طور مستقیم، حقوق ایران را متأثر کرده است. بنابراین، پروندهٔ حاضر در خصوص حمایت دیپلماتیک نیست که مستلزم رعایت طی مراجع داخلی باشد. با وجود این، شرکت‌های ایرانی مانند بانک مرکزی و بانک ملی سعی کردند تا با توسل به محاکم داخلی ایالات متحده جبران خسارت کنند و در واقع تمام مراحل رسیدگی داخلی را که به روی آن‌ها گشوده بود به پایان رساندند. تجربهٔ این شرکت‌ها در مواجهه با نظام حقوقی ایالات متحده نشان می‌دهد که امکان معقولی برای رسیدگی مؤثر در مراجع داخلی ایالات متحده

40. Certain Iranian Assets case, I.C.J pleadings, Counter-Memorial submitted by US, October 14, 2019, p. 72.

41. Ibid, 73-75.

42. (Rubin v. Iran) & (Bank Markazi v. Peterson et al).

43. Supra note 62, 75.

برای ایران یا هر یک از شرکت‌های آن وجود نداشت. بانک مرکزی رفتار تبعیض‌آمیز را در دادگاه منطقه، دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی ایالات متحده جرح کرد.^{۴۴} بند ۵۰۲ قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه (ITRSHRA)^{۴۵} تضمین می‌کرد که تمام دفاعیات احتمالی بانک مرکزی رد می‌شود و در این پرونده شکست می‌خورد و بانک ملی نیز تجربه مشابهی از نظام قضایی داخلی ایالات متحده دارد. این تجارب نشان می‌دهد که ایران می‌تواند به ماده ۱۵ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص حمایت دیپلماتیک که به استثنائات قاعده طی مراجع داخلی اشاره می‌کند استناد جوید.^{۴۶}

به‌علاوه ایران بر این باور بود که مطابق بند ۳ ماده ۱۴ طرح پیش‌نویس حمایت دیپلماتیک، قاعده طی مراجع داخلی تنها زمانی باید رعایت شود که دولت خواهان به‌طور «غیرمستقیم»^{۴۷} آسیب دیده باشد، نه زمانی که خواهان به موجب رفتار متخلفانه بین‌المللی دولت مدعی علیه به‌طور مستقیم دچار آسیب شده است.^{۴۸} ایران در این پرونده خاطرنشان می‌کند که ممکن است آسیب وارده به یک شرکت چنان تأثیری جدی بر دولت و اقتصاد آن داشته باشد که بتوان نتیجه گرفت آسیب مستقیم به دولت وارد شده است و دولت در این مورد می‌تواند طبق حقوق بین‌الملل از مجاری بین‌المللی طرح دعوا کند. رأی دیوان در قضیه *آونا* نیز مؤید این نکته است.^{۴۹}

افزون بر این، شرکت‌های ایرانی در نتیجه اقدامات ایالات متحده متحمل آسیب‌هایی شده‌اند. از آنجا که موضوع و هدف معاهده مودت، رفع موانع تجاری و تسهیل روابط بین دولت‌هاست، اقدامات امریکا در مفهوم عام خود، نقض حقوق ایران است که با نقض حقوق شرکت‌های ایرانی متجلی می‌شود؛^{۵۰} در صورتی که در مورد قضایای *اینترهندل و ای، ال، اس، آی* (ELSI) چنین نبود و دیوان حمایت دیپلماتیک از اتباع را احراز کرد اما در مورد این پرونده، دادخواست خواهان به‌خوبی نشان می‌دهد که ادعایش مربوط به آن دست از اقداماتی است که به‌طور عمده بر ایران و شرکت‌های آن تأثیر می‌گذارد و محدود به یک شرکت یا حادثه خاص نیست.^{۵۱} بنابراین استدلال ایالات متحده مبنی بر عدم رعایت قاعده طی مراجع داخلی مورد قبول نیست. همچنین ایران در

44. The District Court observed that Bank Markazi “filled the proverbial kitchen sink with arguments” quoted in *Bank Markazi v. Peterson, et al.*, U.S. Supreme Court, April 20, 2016, 578 U.S. 1 (2016), pp. 9-10.

45. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act.

یا قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه

46. Certain Iranian Assets case, I.C.J. pleadings, Reply of Islamic Republic of Iran, submitted August 17, 2020, pp. 199-201.

47. Indirect

48. International Law Commission, Draft Articles on Diplomatic Protection, with commentaries, U.N. Doc. A/61/10, 2006, p. 79, para. 9.

49. *Avena and Other Mexican Nationals, Mexico v. United States of America*, Judgment, I.C.J. Rep. 2004, p.23, para. 14 (1).

50. *Supra* note 59, pp. 207-209.

51. *Ibid.*, 209-210.

جوابیه خود می‌افزاید که این طرح تبعیض‌آمیز که ایران و شرکت‌های تابعه آن را هدف قرارداده است و دادگاه‌های امریکا را از جبران خسارت مؤثر باز می‌دارد، دارای نتیجه قضایی از پیش تعیین شده‌ای است.^{۵۲}

در ۳۰ مارس ۲۰۲۳ دیوان بین‌المللی دادگستری با بررسی ادعا و استدلال خواهان و خوانده این پرونده، حکم نهایی خود را اعلام کرد.

دیوان در این مرحله ابتدا به مسئله اعتراض ایالات متحده مبنی بر عدم صلاحیت دیوان به علت عدم رعایت قاعده طی مراجع داخلی پرداخت. دیوان با اشاره به رأی سابق خود در پرونده *اینترنهاندل اعلام کرد* که زمانی که رسیدگی بر مبنای حمایت دیپلماتیک آغاز می‌شود، طی مراجع داخلی نه یک موضوع صلاحیتی بلکه موضوعی مربوط به قابلیت استماع محسوب می‌شود.^{۵۳} دیوان اعلام داشت ایالات متحده ادعا دارد که ایران جز در دو قضیه، طی مراجع داخلی را رعایت نکرده، به همین دلیل، عدم رعایت این قاعده، مانع دیوان در رسیدگی این پرونده خواهد شد و در مقابل، ایران مدعی است که دیوان به دو دلیل باید اعتراض مقدماتی امریکا را رد کند چرا که اولاً معتقد است ادعاهای وارده ناشی از صدمات وارد شده به خود دولت به طور مستقیم است (صدمه وارده به شرکت‌هایی که به دولت وابسته است). دوم، خواهان استدلال می‌کند که طرح تبعیض‌آمیزی که علیه ایران و شرکت‌های آن وجود دارد، دادگاه‌های ایالات متحده را از جبران خسارت مؤثر باز می‌دارد، به نحوی که هر دادرسی که ایران آغاز کند، محکوم به شکست است. دیوان با اشاره به تصمیمات سابق خود، بار دیگر به عرفی بودن قاعده طی مراجع داخلی تأکید کرد. همچنین با اشاره به یافته‌های خود در قضیه *اونا* معتقد است تعهد به رعایت طی مراجع داخلی در مواردی که هم حقوق دولت و هم حقوق فردی اعطاشده به اتباعش نقض شده است وجود ندارد.^{۵۴} دیوان از این بحث نتیجه می‌گیرد حقوق افراد (در شرایط خاص که وابسته به دولت هستند) به طور جدایی‌ناپذیری با حقوق دولت پیوند خورده و نقض حقوق افراد می‌تواند منجر به نقض حقوق دولت شود.^{۵۵}

دیوان در بخشی از این رأی به بند ۳ ماده ۱۴ مواد حمایت دیپلماتیک کمیسیون حقوق بین‌الملل اشاره می‌کند. این ماده به طور ضمنی بیان می‌دارد که در صورت ادعای مختلط که شامل عناصری از آسیب به دولت و آسیب به اتباع آن است، باید دید که آیا «اغلب» این خسارات و آسیب متوجه دولت شده یا اتباع، و با استفاده از معیار «اغلب»، آیا قاعده طی مراجع داخلی قابل اجرا است؟^{۵۶}

52. Ibid, 210-211.

53. Certain Iranian Assets case, (Islamic Republic of Iran v. USA), I.C.J judgement, March 30, 2023, para. 56.

54. Supra note 72, para. 40.

55. Supra note 59, paras. 62-64.

56. Ibid, 66. The commentary on Article 14, Report of the ILC on the work of its fifty-eighth session, Yearbook of the International Law Commission, 2006, Vol. II, Part Two, p. 46, para. 11.

گرچه دیوان این معیار را مطرح می‌کند، در این پرونده این معیار را در نظر نمی‌گیرد و در واقع، بنا به دلایلی از جمله در دسترس نبودن راه‌های مؤثر و امکان معقول جبران خسارت، چنین نتیجه می‌گیرد که در نظام حقوقی ایالات متحده، شرکت‌های مورد بحث، هیچ ابزار مؤثری برای جبران خسارت نداشته‌اند و بدین علت است که (برخی‌هایشان) نتوانسته‌اند مراحل رسیدگی داخلی را به‌طور کامل طی کنند.^{۵۷} دیوان به صراحت اعلام می‌کند مشخصه اقدامات ایالات متحده که مورد شکایت ایران است این است که این اقدامات با ابزارهای قانونی یا با اقدامات اجرایی مبتنی بر قانون ایجاد شده است و با تصمیمات دادگاهی که مقررات قانونگذاری فدرال را اعمال می‌کند، به اجرا درآمده است. به بیان بهتر آنکه اقدامات امریکا که نقض حقوق ایران بود به پشتوانه قانون امریکا انجام می‌شد. مطابق قانون امریکا در صورت تعارض بین معاهده بین‌المللی و قانون داخلی مؤخر، قانون مؤخر معاهده را نسخ می‌کند. بنابراین در مواجهه با قانون فدرال و معاهده مودت ۱۹۵۵، قانون فدرال مجرا بوده که عملاً امکان جبران خسارت معقول را برای شرکت‌های ایرانی منتفی کرد.^{۵۸} در انتها دیوان اعلام می‌کند مؤثر بودن توسل مقدماتی به مراجع داخلی باید با توجه به حقوق مورد ادعای اصحاب دعوا ارزیابی شود. با توجه به ترکیبی از ماهیت قانونی اقدامات مورد بحث و اولویتی که به قانون فدرال مؤخر بر این معاهده در رویه قضایی ایالات متحده اعطا شده است، به نظر می‌رسد که در شرایط پرونده حاضر، شرکت‌های مورد بحث، هیچ امکان معقولی برای استیفای موفقیت‌آمیز حقوق خود در دادگاه‌های امریکا نداشتند.^{۵۹} بنابر دلایل فوق، دیوان نتیجه می‌گیرد که اعتراض به قابلیت استماع مبنی بر عدم رعایت قاعده طی مراجع داخلی قابل قبول نیست.^{۶۰}

بنابراین در پرونده اخیر، بار دیگر دیوان بر معیار مؤثر بودن جبران خسارت تأکید کرد. اما نکته‌ای که در رأی ۳۰ مارس نمایان شد، اشاره ضمنی دیوان به قابلیت دسترسی به دادرسی عادلانه و امید به جبران خسارت توسط مراجع داخلی است. بر این اساس، قابلیت دسترسی نه تنها قابلیت پذیرش دعاوی را در مراجع گوناگون در برمی‌گیرد، بلکه باید امید به جبران خسارت نیز در موارد رسیدگی به دعاوی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، قابلیت دسترسی به جبران خسارت دارای دو جنبه است: اول اینکه محاکم دعاوی گوناگون را پذیرفته باشند و به آن رسیدگی کنند. دوم اینکه امید به جبران خسارت توسط محاکم وجود داشته باشد. در پرونده برخی اموال، بر اساس نظام حقوقی ایالات متحده، از ابتدای فرآیند رسیدگی، امید به جبران خسارت بر اساس قوانین داخلی ایالات متحده، دور از ذهن به نظر می‌رسید. در نتیجه دیوان نیز این مورد را پذیرفت که

57. Ibid, paras. 67-8.

58. Ibid, 69-70.

59. Ibid, 72.

60. Ibid, 73.

شاخصه اقداماتی که موجب نقض تعهدات بین‌المللی ایالات متحده در برابر ایران شده است، با ابزار قانون داخلی آمریکا به وقوع پیوسته است؛ پس با طرح دعوا در محاکم داخلی آن که خود ناقض تعهدات بین‌المللی هستند، نمی‌توان انتظار جبران خسارت متناسب و مؤثر را داشت.

نتیجه

با توجه به موارد پیش‌گفته مشخص شد که قاعده طی مراجع داخلی در دستگاه قضایی هر کشور به منظور نیل خواننده به حق خویش طراحی شده است و زمانی دعوی بین‌المللی قابل طرح است که زیان دیده تمام راه‌های رسیدگی قضایی و اداری موجود در دولت مدعی‌علیه را طی نموده باشد. باید ریشه قاعده را در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی جستجو کرد که در دکترین نیز به این امر اشاره شده است.

بدون شک، برای اجرای قاعده توسط مقاماتی به مراجع داخلی باید شرایطی وجود داشته باشد و بدیهی است در صورت بروز استثنائات، تبعه زیان‌دیده، از اجرای این قاعده معاف می‌شود. از جمله استثنائات می‌توان به ناکارآمدی نظام قضایی یا اداری، فقدان دادرسی عادلانه، اطاله دادرسی، فقدان ارتباط واقعی با زیان وارده و دولت مدعی‌علیه، ایراد خسارت مستقیم به دولت مدعی، و توافق دولت مدعی و مدعی‌علیه به اعراض از اجرای قاعده اشاره نمود.

چنانکه بررسی شد، در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، به‌طور معمول، پیش از اینکه به این موضوع رسیدگی کنند، دولت خواننده باید به عدم اعمال این قاعده استناد نماید. از رویه دیوان چنین برمی‌آید که دیوان، اعتراض به عدم طی مراحل رسیدگی داخلی را بیشتر در مفهوم پذیرش دعوا مطمح نظر قرار می‌دهد تا صلاحیت.

با تحول حاکم بر مسئولیت بین‌المللی، قاعده طی مراجع داخلی نیز در پرتو آن به کلی دگرگون شد و بر جنبه‌های فنی و نکته‌های ظریف آن افزوده شد و کارکرد چندگانه این قاعده آن را به یکی از اصول بنیادین مسئولیت بین‌المللی مبدل کرده است. مسئله حائز اهمیت دیگر که در نهایت می‌توان آن را نتیجه گرفت، تفاوت میان اشخاص عادی و اشخاص دارای مصونیت است. همان‌طور که از رویه قضایی بین‌المللی برمی‌آید، زمانی که حقوق یک مقام دارای مصونیت، مورد تعدی قرار می‌گیرد، دیگر رعایت طی مراجع داخلی موضوعیت خود را از دست می‌دهد چرا که زیان و آسیب وارده، به‌طور مستقیم، حقوق دولت متبوع فرد مصون را تحت تأثیر قرار داده است. متعاقب آن، دولت خواهان به علت رفتار متخلفانه دولت مدعی‌علیه و احقاق حقوق تضییع‌شده خود به طرح دعوی بین‌المللی مبادرت ورزیده است نه به منظور حمایت از اتباع خود. در قضیه *احمدو سادیو دیالو* دیوان تأکید کرد که در بررسی قاعده طی مراجع داخلی باید معیار مؤثر بودن جبران خسارت

را مورد نظر قرار داد و در موارد مرتبط با حمایت دیپلماتیک از اتباع، این وظیفه بر عهده خواهان است که ثابت نماید قاعده را به‌درستی رعایت کرده و شیوه جبران خسارت مؤثر نبوده است. همچنین در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ دیوان با بررسی‌های خود، معیار مؤثر بودن جبران خسارت را در نظر گرفت و در این پرونده در خصوص صدمه مستقیم به دولت و استثنای قاعده طی مراجع داخلی که مورد ادعا و اعتراض ایالات متحده بود، وقعی ننهاد. دیوان با اشاره به اینکه اقداماتی که به نقض حقوق ایران منتهی شد، مبتنی بر قانون امریکا بود، بنابراین امیدی به جبران خسارت مؤثر در محاکم داخلی امریکا وجود نداشت، ایراد مقدماتی امریکا مبنی بر عدم رعایت قاعده طی مراجع داخلی و مسموع‌ندانستن دعوای ایران را رد کرد. بنابراین در پرونده اخیر، برخلاف رویکرد سابق، دیوان برای اجرای قاعده، علاوه بر قابلیت دسترسی به جبران خسارت که متضمن قابلیت پذیرش دعوای در مراجع داخلی است، امید به جبران خسارت را نیز در نظر گرفت. همچنین بنا به نظر دیوان، جبران خسارت باید متناسب با زیان وارده باشد و به‌طور مؤثر از تبعه زیان‌دیده جبران شود. عدم جبران خسارت به‌طور متناسب و مؤثر، به منزله عدم جبران خسارت است که در دعوای مطروحه نزد مراجع داخلی ایالات متحده نیز چنین بود.

با تمام این موارد، تشخیص رعایت و عدم رعایت قاعده طی مراجع داخلی بستگی تام به اوضاع و احوال هر قضیه دارد و بدیهی است باید با در نظر گرفتن تمام جوانب هر قضیه بررسی شود.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. محمدرضا ضیائی بیگدلی. حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶.
۲. رضا فیوضی. مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

- مقاله

۱. محسن محبی و وحید بذار، «رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران»، فصلنامه قضاوت، شماره ۹۸ (۱۳۹۸).
۲. میرعباسی، سیدباقر و حمیدرضا سیاوش پور، «حمایت دیپلماتیک در چهارچوب معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۲۹، شماره ۴ (۱۳۹۸).

ب. انگلیسی

- Books

1. Augusto Cancado Trindade, Antônio. *The Application of the Rule of Exhaustion of Local Remedies in International Law: Its Rationale in International Protection of Individual Rights*. Cambridge: Cambridge University Press, 1983.
2. Brownlie, Ian. *Principles of Public International Law*, 5th ed. Oxford: Oxford press, 1998.
3. Chittharanjan Felix, Amerasinghe, *State Responsibility for Injuries to Aliens*, 1st ed, Oxford: Clarendon press, 1967.
4. Chittharanjan Felix Amerasinghe. *Exhaustion of Local Remedies in International Law*, 2nd ed. London: Cambridge University Press, 2001.
5. Chittharanjan Felix, Amerasinghe, *Local Remedies in International Law*, Cambridge: Grotius publications Ltd, 1990.
6. Doehiring, Karl. *Exhaustion of Local Remedies*, in Rudolf Bernhardt, ed., *Encyclopedia of Public International*, Vol. 3. Elsevier, 1997.
7. Dominic McGold, Rick. *the Human Rights Committee*, 1st ed. Oxford: Clarendon press, 1991.
8. Newcombe Andrew, Paul, and Lius Paradell. *Law and practice of investment treaties: Standards of treatment*, Kluwer Law International, 2009.

- Articles

1. D'Ascoli, Silvia, and Kathrin Maria Scherr, "The Rule of Prior Exhaustion

of Local Remedies in the International Law Doctrine and its Application in the Specific Context of Human Right Protection,” *EUI Working Papers Law*, 2007.

2. Kende, Tamás, “Distant Cousins: The Exhaustion of Local Remedies in Customary International Law and in the European Human Rights Contexts,” *Elite Law Journal*, 2020.
3. Rudolf Braun, Tillmann, “Globalization-Driven Innovation: The Investor as a Partial Subject in Public International Law-An Inquiry into the Nature and Limits of Investor Rights,” *Jean Monnet Working Paper*, 2013.
4. Sattorova, Mavluda, “Denial of Justice Disguised? Investment Arbitration and the Protection of Foreign Investors from Judicial Misconduct,” *International and Comparative Law Quarterly* 61, no. 1, 2012.

- Documents

1. *Ambatielos*, (Greece v. The United Kingdom), Judgment of May 19, 1953, ICJ Report, 1956.
2. *Arrest Warrant*, (Democratic Republic of Congo v. Belgium), Judgment of February 14, 2002, ICJ Report, 2002.
3. *Avena and Other Mexican National*, (Mexico v. United States of America), Judgment of March 31, 2004, ICJ report 2004.
4. *Bank Markazi v. Peterson, et al.*, U.S. Supreme Court, 20 April 2016, 578 U.S. 1. Retrieved from: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/578/14-770/>, accessed on April 23, 2024.
5. *Certain Iranian Assets*, (Islamic Republic of Iran v. USA), ICJ pleadings, Counter-Memorial submitted by the United States, October 14, 2019.
6. *Certain Iranian Assets*, (Islamic Republic of Iran v. USA), ICJ pleadings, Reply of Islamic Republic of Iran, submitted August 17, 2020.
7. *Certain Iranian Assets*, (Islamic Republic of Iran v. USA), Judgment of March 30, 2023, ICJ Report, 2023.
8. *Corfu Channel*, (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland vs. Albania), Judgment of April 9, 1949, ICJ Report, 1949.
9. *Elettronica Sicula S.P.A. (ELSI)*, (USA v. Italy), Judgment of July 20, 1989, ICJ Report, 1989.
10. Fourth Report on State Responsibility, by Mr. James Crawford, Special Rapporteur, April 2-3, 2001, UN doc. A/CN.4/517. Retrieved from: https://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_517.pdf, accessed on April 23, 2024.
11. *Interhandel*, (Switzerland v. USA), Judgment of March 21, 1959, ICJ Report, 1959.
12. International Law Commission, Draft Articles on Diplomatic Protection, with commentaries, U.N. Doc. A/61/10, 2006.

13. PCIJ Report, Series A/B, 1938, No. 74, p.17 and French pleading in PCIJ, Series C, No. 84, 1938.
14. Second Report on Diplomatic Protection, by Mr. John R. Dugard, Special Rapporteur, A/CN.4/514, February 28, 2001. Retrieved from: https://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_514.pdf, accessed on April 23, 2024.
15. The Aerial Incident, (Israel vs. Bulgaria), Judgment of May 26, 1959, ICJ Report, 1959.

